



نوشته: دینیز بیزین - نلسون و رزماری پیرن  
 تصویرگر: ساید مور  
 ترجمه: محبوبه نجف‌خانی



کتاب‌ها / عطرانی





بیدی با آن لپ‌های سرخش روی صندلی‌اش برگشت و از پنجره بیرون  
را نگاه کرد.

خانم هاترن با عصبانیت گفت: «رویت را برگردان، خانم جوان.»

و با چشم‌های آبی سردش طوری به او چشم غره رفت که بیدی از ترس  
به لرزه افتاد.

اخلاق خانم هاترن مثل لباس‌هایی که می‌پوشید، زشت بود.